کاریکاتور در خدمت انقلاب

منصور خلج

رواج واژه کاریکاتور به سال ۱۶۴۰م بازمی‌گردد. حدود چهل سال بعد هم در فرهنگ زندگی‌نامه هنرمندان، که *بالدینوتچی*[۱] (۱۶۲۵ ـ ۱۶۹۷م) تهیه کرد، وارد شد. کاریکاتور زبان جهانی انسانهاست. طنزی ملایم همراه با ذکاوت هوشمندانه که سدهای نژادی ـ ملی را در هم می‌شکند و از این رهگذر احساسات مشترک انسانها را برمی‌انگیزاند. کاریکاتور یک طرح تمثیلی یا کنایه‌ای است که به جای خنداندن بیننده، او را به تفکر وادار کند. با این حال، این نوع بیان تصویری معمولاً با مقداری تخیّل و اغراق هم آمیخته است که برای بهره‌گیری از اصطلاحات روزمره و عامه‌پسند به همان شکل متداول به کار می‌رود. کاریکاتور به شکل یا اجزای صورت، اعضای بدن، ویژگیهای اشخاص در کنار روابط آنها به شکل اغراق‌آمیز و اغلب خنده‌آور تجسم می‌بخشد.

اگر چه هنر کاریکاتور نسبت به هنرهای دیگر، جوان‌تر است و راه درازی در پیش دارد، ولی در ایران همپای بسیاری از هنرهای دیگر رشد چشمگیری نموده، در برخی از دوره‌ها به سطح قابل توجهی از رشد دست یافته است. در برخی از آن دوره‌ها به سبب تحولات لحنی، بیانی و تکنیکی تأثیرات شگرفی پذیرفته و

---

۱. Filippo Baldinucci

www.22bahman.ir

توانسته است با مخاطبین خود، ارتباطی سریع و عمیق برقرار کند. در این میان پیوند مستقیم هنر با مسایل و موضوعات متعدد، و گاه مختلف، همانند فرهنگ، اقتصاد، سیاست و اجتماع، زمینه را برای رشد هنر کاریکاتور در مقایسه با عرصه‌های دیگر هنری بیشتر فراهم کرده است.

اگر چه کاریکاتور معمولاً سبب خنده می‌شود، اما به همان اندازه نیز تفکرزاست. یعنی هدف آن انتقال آگاهی است. ذات هنر کاریکاتور تنها به تلفیق زیبایی و زشتی بسته نیست. بلکه ابتدایی‌ترین گام برای ظهور یک کاریکاتور، در نظر گرفتن زیبایی به عنوان یک هنجار، زشتی به عنوان یک امر نابهنجار، و تلفیقی از آن دو است تا بر اساس آن بتوان شکل و بیانی جدید ارایه کرد. دامنه کاریکاتور بسیار وسیع‌تر است. کاریکاتور می‌تواند از زشتی و زیبایی به معنای رایج‌شان صرف نظر کرده، از ماهیت آنها به عنوان عوامل بیان‌کننده مفهوم یا فراتر از درک متعارف بهره بگیرد. به همین دلیل، تصویر دگرگون‌شده، مضحک، بدترکیب و در یک کلمه کاریکاتور در نتیجه تناقضاتی است که میان معیارهای آکادمیک و ایده‌آل و گاه حتی زیبایی متعارف به وجود می‌آید.

کاریکاتور یک زبان بومی نیز به شمار می‌رود، اما در عین حال عنصر ارتباطی بین‌المللی است. به همین سبب، کارکاتوریستها عموماً با یک زبان جهانی مشترک سخن می‌گویند. موضوعات آنان ممکن است به نظر متفاوت باشد، اما پردازش مفهومیِ لطیف، ظریف و کنایه‌ای آنها اشتراکات فراوانی را تولید می‌کند. کاریکاتور سریع و بی‌واسطه، و با پرداختی تُرُش‌رویانه، نبوغی بچگانه و

www.22bahman.ir

معمولاً به همراه ابداعات پیچیده، یا با تأکید بر مواردی که گاه خودِ بیننده نیز بدان آگاه است، با مخاطبانش سخن می‌گوید. کاریکاتور نوعی بیان تصویری تجسمی است که دو ویژگی «اهمیت مضمون» و «اغراق» آن را از سایر هنرهای تجسمی متمایز کرده است. عناصر بَصَری کاریکاتور وسیله‌ای برای بیان معنا، مضمون و اندیشه است که با هدف القای یک پیام یا پیامهای متعدد به کار گرفته می‌شود. اما از آنجایی که ابهام نیز همواره نوعی تمایل به پاسخ‌گویی را در انسان برمی‌انگیزد، کاریکاتور می‌کوشد از رویکرد درونی انسانها، که مایلند شایسته‌ترین پاسخهای ممکن را برای هر پرسشی بیابند، استفاده کند. کاریکاتور یک روایت است و هنرمند اغلب بخشی از یک داستان را به مخاطب خویش عرضه می‌کند. اما در واقع از او می‌خواهد که ذهن خود را به کار بگیرد و داستان را کامل نماید.

عام‌ترین روش دستیابی به سوژه در خلق کاریکاتور، کوشش فکری است که در جریان آن، برخی از عناصر و اجزای مرتبط با زمینه مورد نظر کاهش، افزایش، حذف یا اضافه، بزرگ و کوچک، جابه‌جا و یا تغییر حالت پیدا می‌کند. در واقع یک کاریکاتوریست در روند شکل‌گیری ایده ذهنی خود، فرصت‌طلبانه می‌کوشد به یک موقعیت فیزیکی قابل نمایش دست پیدا کند. از این‌رو می‌توان کاریکاتور را جوهره اندیشه‌ای دانست که به تصویر تبدیل شده است. و چون از ابتدا برای مخاطب خلق می‌گردد، نیازمند ارتباط است. اما تفاوت عمده کاریکاتور با دیگر حوزه‌های بیانی تصویری در این است که ارتباطی ساده و

www.22bahman.ir

صمیمانه با بیننده خود برقرار می‌کند. از این منظر، کاریکاتور را دموکراتیک‌ترین هنرها می‌دانند. به همین دلیل، سالهاست که کاریکاتور میلیونها نفر از سرزمینها و نژادهای مختلف جهان را، با زبانهای گوناگون، به دنیای خیال‌انگیز و طنزآمیز خود فرامی‌خواند.

خنده‌دار بودن یک کاریکاتور، گاهی آن را تا حد بی‌اطمینانی از یک منطق پیش می‌برد. مواردی مانند قیچی سه‌شانه، اتومبیلی که می‌خندد، ماشین تحریری که بر روی آن خطوط باستانی حک شده است، درختی که اسلحه یا تبری در دست دارد و پرنده‌ای که رانندگی می‌کند، جملگی نشان‌دهنده همین بی‌اطمینانی به یک منطق است. کاریکاتور در نمایش، از شیوه بیانی، که مبنای آن بر اغراق، نابهنجاری، ناهماهنگی و عدم تجانس استوار است، بهره می‌گیرد. در چنین حالتی کاریکاتوریست دو موضوع، دو پدیده یا دو حالت را که در عالم واقع امکان وحدت ندارند، با هم ترکیب کرده و در تولید و خلق آنها اغراق به خرج می‌دهد. فرایند چنین ترکیب و اغراق، تصویری خنده‌آور، و در عین حال بسیار پرمعناست که گاه با زبان استعاره نیز همراه است.

نشریات مناسب‌ترین و پرمخاطب‌ترین مکان برای انتشار آثار کاریکاتوری است. از نخستین نشریاتی که در ایران به این هنر توجه نمودند، روزنامه *آذربایجان* (منتشر شده در ۱۳۲۵ق) بود. در این نشریه، از حسین طاهرزاده بهزاد (۱۲۶۶ ـ ۱۳۴۱ش) که بیشتر به نقاش و طراح فرش مشهور است، کاریکاتورهایی منتشر می‌شد. *ملانصرالدین*، *حشرات‌الارض* (۱۳۲۶ق)، *بهلول*

www.22bahman.ir

(۱۳۲۹ق) و *جنگل مولا* از دیگر نشریات دوره قاجار است که در برخی از صفحات آنها آثاری از کاریکاتور به چاپ می‌رسید. در همین دوره که نهضت مشروطیت هم برپا بود، شماری از مشروطه‌خواهان، دست به دامن کاریکاتور شدند و حرف و هدفِشان را بدان زبان راندند. البته بدیهی است که آثار ارایه شده در این دوران، صورتی ابتدایی از هنر کاریکاتور ارایه می‌دادند. در این سالها، بیشتر ذخایر ادبیات، ضرب‌المثلها و فرهنگ عامیانه منبع قابل توجهی برای خلق کاریکاتور به شمار می‌رفت. در همین اَوان، بسیاری از هنرمندان با کمک کاریکاتور مطالبی را بیان می‌کردند که دیگر نویسندگان، بویژه محافظه‌کاران از بیان آنها ناتوان بودند. آنان با جرأت فراوان عناوین، پستها، اسلحه‌ها، و افرادی را که وحشتناک، دست‌نیافتنی، بزرگ و حتی مقدس شمرده می‌شدند، به سخره می‌گرفتند.

با آغاز سلطنت رضا پهلوی، که خُلق و خویی تمامیت‌خواه داشت و با حرف زور کارهایش را پیش می‌برد، راه استفاده از کاریکاتور در نشریات و جراید، اندکی خطرآفرین شد. برخلاف این، *ناهید*، *باباشمل*، آهنگر و نامه *چلنگر* و *ایرانِ ما* از مشهورترین روزنامه‌های دوران رضاشاهی است که در صفحات خود موضوعات و شخصیتهای مختلفی را گاه با طرحهای شبه‌کاریکاتور و گاه با کاریکاتور به نقد می‌کشیدند.اما ماندگارترین و مؤثرترین نشریه‌ای که در دوران آغازین سلطنت محمدرضا پهلوی، آثار متعددی را از هنر کاریکاتور به یادگار گذاشت، روزنامه *توفیق* است. غلامعلی لطیفی و حسن توفیقی به همراه روح‌الله

www.22bahman.ir

داوری سالهای متمادی طراحی کاریکاتورهای آن نشریه را انجام می‌دادند. از هنرمندان پرکار کاریکاتور در همین دوره، می‌توان نام کامبیز درم‌بخش، ایرج زارع، اردشیر محصص و مرتضی ممیز را به یاد آورد که هر کدام آثاری را در حوزه‌ها و مسایل گوناگون پدید آوردند. باید به یاد داشت که در دوره پهلوی دوم، به ویژه بعد از ۱۳۲۷ش (ترور نافرجام محمدرضاشاه در دانشگاه تهران)، اختناق شدیدی بر کشور حاکم شد. مطبوعات به شدت سانسور شدند و کمتر کسی توانست در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی به زبان کاریکاتور سخن بگوید. هر چند به صورت جسته و گریخته، در گوشه و کنار کشور، یا در جمعهای خودمانی و کوچک، آثاری از کاریکاتور به نمایش گذاشته می‌شد. گاهی هم به سبب ماهیت پیچیده هنر، آثار کاریکاتوری از زیر تیغ تند سانسور می‌گریخت و در قالب کتاب، یا مجموعه‌هایی به چاپ می‌رسید. با وجود این، در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ش، که اعتراضات و مخالفتهای ضد پهلوی شدت و سرعت بیشتری گرفت، مسیر کاریکاتور هم هموار گشت و به افشاگری و ستیز با حاکمیت ستم برخاست. شاید نخستین کاریکاتوریستی که در این آوان هنر و جربزه‌اش را نشان داد کامبیز درم‌بخش بود که پیش‌تر (۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ش) مجموعه‌ای را با عنوان «مینیاتورهای سیاه» خلق کرده بود. او در این مجموعه، عناصری از نگارگری سنتی را دستمایه خود قرار داد و با نگاهی کاملاً شخصی، به وسیله حذف و اضافه کردن، جایگزینهای خاص، تغییر حالت و حتی وارد کردن عناصر و شخصیتهای معاصر، نسبت به شرایط سیاسی ـ اجتماعی دوران

www.22bahman.ir

خود، کاریکاتورهایی را که از نظر مفهومی بسیار تلخ و گزنده بودند، خلق کـرد. اختناق، بی‌خبری توده جامعه از سرنوشت خود، تمسخر هویت ساختگی، نـابود کردن هویت فرهنگی توسط عناصر داخلی، فریب عوام به انگاره‌هـای تـوجیهی، هویت ملی، توجه به زندانیان سیاسی و امید به اعتقاد به ثمربخش بودن مقاومت آنها، تذکر به وجود عناصر جاسوسی و خبرچینهای حکومت پهلوی در همه‌جـا، و تذکر به قدرت نوشتار در روند مبارزات سیاسی از جمله موضوعاتی است کـه در مینیاتورهای سیاه درم‌بخـش مـورد توجـه قـرار گرفتنـد. پـس از او، بایـد از کیومرث کیاست نام برد که در میان سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ش، آثاری را در هنـر کاریکاتوری خلق کرد. آثار او تداعی کننـده تـلاش مـردم ایـران بـرای آزادی و انعکاس تظاهرات اعتراض‌آمیز آنها بود. در این سالها اغلـب آثـار خلـق‌شـده در عرصه کاریکاتور ابتدا متوجه دو حوزه سیاسی مطرح و جدی، یعنی رژیم پهلوی و مسایل پشت پرده آن و آمریکا و مسایل مربوط به ایران بود. هنرمندان در ایـن زمینه، گاه خشم خود را از حاکمیت پهلـوی در آثـار خـود بـروز مـی‌دادنـد. در خرداد ۱۳۵۷، رضا بیژن کاریکاتوری را به اجرا گذاشت که در آن نظـام اداری ـ رسمی ایران به هیولایی دهشتناک تشبیه شده بود؛ هیولایی که میزی را به اشغال خود درآورده بود.

www.22bahman.ir

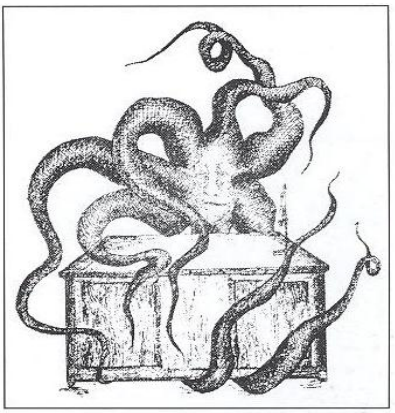

رضا بیژن

از سوی دیگر، حسن صدر کاریکاتوری را در روزنامه *اطلاعات* به چاپ رساند که در آن، افرادی نمادین از انسانهای از خود بیگانه نشان داده می‌شدند؛ بر پشت آنها یک کلید کوکی، شبیه به کوک ساعتی، وجود دارد که بی‌اختیار و بر اساس کوک قبلی حرکت می‌کنند.

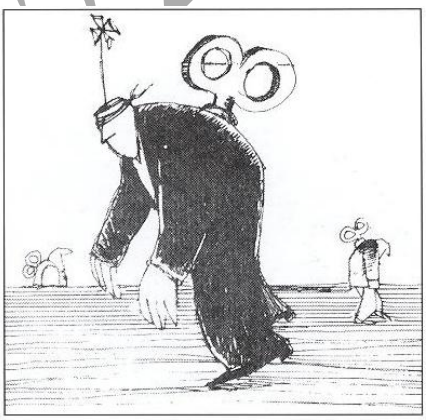

حسن صدر

www.bahman.ir

هر دو اثر، صرف نظر از تواناییهای هنری، اشاره‌ای مستقیم و بی‌واسطه به وضعیت رسمی حاکم بر جامعه ایران در دوران پهلوی دارند. برخی از نشریات از آثار کاریکاتوریستهای خارجی نیز بهره گرفتند که برای نمونه می‌توان از مجله *زن روز* یاد کرد؛ اثری از ویاز (طراح فرانسوی) که در ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ منتشر کرد.[۲]

ویاز

هنر کاریکاتور در انقلاب، به سبب وجود شرایط و موقعیتهای مذهبی، سیاسی و اجتماعی، ارتباط بهتری با توده مردم برقرار کرد و در حافظه تاریخی مردم ایران عمر طولانی به خود گرفت. به‌گونه‌ای که مردم کاریکاتورهایی را که در دوران انقلاب خلق شده‌اند، جزئی از خویشتنِ خویش و زندگی جاری خود

۲. *زن روز*، شماره ۷۱۰ (۲۸ بهمن ۱۳۵۷)، ص ۷۵

www.2...man.ir

برمی‌شمردند. این دوران را می‌توان دوره کاریکاتورهای سیاسی با موضوع ضد شاه لقب داد که در آن آثار خلق‌شده از جایگاه ژورنالیستی ـ فکاهی به جایگاهی کاملاً سیاسی ـ انقلابی تغییر یافته‌اند. این جهش یا تغییر را می‌توان به نوعی بلوغ هنر کاریکاتور در ایران دانست که از جایگاه سنتی دوری گزید و در ارتباط با حکومت به بیانی تلخ و صریح روی آورد. بیشتر آثار این دوره، از نظر اجرا و ترکیب‌بندی، تا حد زیادی گرافیکی‌تر شده، و به‌رغم کمبود وقت برای ارایه اثر و وجود فضای ملتهب و خطرات احتمالی در بحبوحه انقلاب، از پرداختهای قوی و محکمی برخوردارند. در این آثار، دیالوگی که مخصوص کاریکاتورهای مطبوعاتی است، کمتر دیده می‌شود و بیشتر بدون شرح به چاپ رسیده‌اند. از این سبب مردم آثاری از این دست را در تظاهرات خیابانی با خود حمل و از آنها به عنوان پلاکارد استفاده می‌کردند. این‌گونه آثار که در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی به گونه‌های مختلف پراکنده می‌شدند، به عنوان توجیه‌کننده و توضیح‌دهنده دلایل انقلاب اسلامی ایران نیز به شمار می‌روند.

پیش از موضوع‌بندی کاریکاتورها، ذکر چند نکته بایسته می‌نماید: ۱ـ بازه زمانی تعیین شده برای انتخاب آثار، چند سال نزدیک به انقلاب اسلامی بوده است. به سخنی دیگر، تنها آثاری برگزیده شده‌اند که با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ش، بیش از سه سال فاصله نداشتند. ۲ـ منبع بسیاری از آثار برگزیده شده در این نوشتار، کتاب *گرافیک انقلاب؛ هنر متعهد اجتماعی – دینی در ایران* است که در سال ۱۳۹۰ش، به قلم مرتضی گودرزی دیباج از سوی «موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار

www.22bahman.ir

هنری متن»، چاپ و روانه بازار نشر شده است. در همین کتاب، نام هنرمند، عنوان، شماره و تاریخ نشریاتی که در سالهای نزدیک به انقلاب اسلامی، دست به انتشار کاریکاتورهای گوناگونی زده‌اند، قید شده است. اطلاعات موجود در این نوشتار هم، از آن کتاب اقتباس، و در پای آثار درج شده است. ۳ـ برای اغلب آثار منتشر شده در آن سالها، عنوانی انتخاب نشده است. بنابراین عناوینی که برای هر کدام از آثار زیر اختصاص یافته، دریافتی است که نگارنده این مقاله از توضیحات ذکر شده در کتاب *گرافیک انقلاب* به دست آورده است.

کاریکاتورهای خلق شده در چند سال نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی، بر پایه نوع پرداخت و درون‌مایه اصلی‌شان در چند گروه زیر قابل دسته‌بندی‌اند: الف) شخص محمدرضا پهلوی که در رأس حکومت پهلوی قرار داشت و بر همه اجزای سیاسی و فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی چمبره انداخته بود. در این گروه شخصیتهای دیگری هم قرار دارند که کاریکاتورهای مربوط به آنها را در یک آلبومی با عنوان «رجال عصر پهلوی» باید جا داد. ب) دولتهای استعمارگر خارجی که در ابتدای صف آنها ایالات متحده آمریکا ایستاده بود. در مرحله بعدی دولتها یا کشورهایی قرار داشتند که به سبب سیاستهای حمایتی‌شان از حکومت پهلوی در مبارزات اسلامی بخشی از اعتراضات را متوجه خود ساخته بودند. این دسته از کاریکاتورها را می‌توان «حامیان دولت پهلوی» عنوان داد. ج) اسرائیل به عنوان رژیمی غیر قانونی و صهیونیستی، مبنای ریشه‌دار مخالفتها و مبارزات ضد حکومت پهلوی بود که توجه شماری از کاریکاتوریستهای

www.22bahman.ir

دوران انقلاب را به خود اختصاص داده است. به نظر اطلاق عنـوان «اسـرائیل و پهلوی» برای این دست از آثار کاریکاتوری بسنده باشد.

ساواک

محمد تجویدی

مأموریت برای وطنم

احمد عربانی

www.ebalman.ir

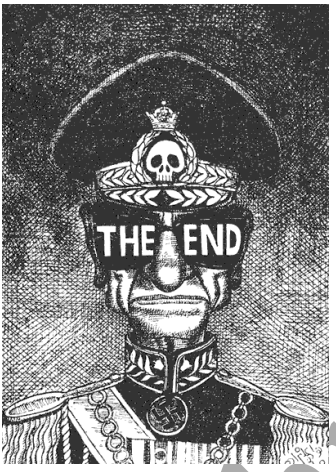

محمدرضاشاه

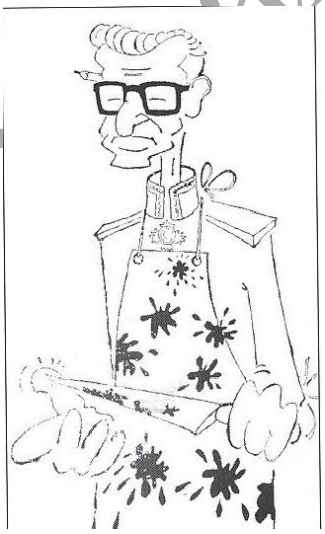

دلایل انقلاب اسلامی

زن روز، شماره ۷۱۱ (۵ اسفند ۱۳۵۷)، ۲۰

www.rahman.ir

دلایل انقلاب اسلامی

زن روز، شماره ۷۱۱ (۵ اسفند ۱۳۵۷)، ۲۰

دلایل انقلاب اسلامی

زن روز، شماره ۷۱۱ (۵ اسفند ۱۳۵۷)، ۲۰

www.zanan.ir

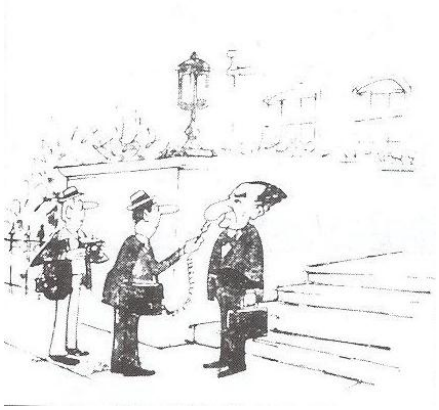

رسانه با سلطه حکومت پهلوی

حاجی‌بابا، شماره ۱۷۵(۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸)، ۸

دلایل انقلاب

محسن جمالی؛ *سروش*، شماره ۳(۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸)، ۲

www.iran-archive.com

افشای سلطه آمریکا بر محمدرضاشاه

سروش، شماره ۶(۱۷ خرداد ۱۳۵۸)، ۳۷

محمدرضاشاه

دیوید لیواین، *کیهان*، شماره ۱۰۳۶۷(۲۴ بهمن ۱۳۵۷)، ۶

www.iran-archive.com

سروش، شماره ۳۶(۲۹ دی ۱۳۵۸)، ۲۶

وابستگی محمدرضا شاه به آمریکا

هویت: مجموعه طرحهای فرهاد فروتنیان، ۲۹

حاجی‌بابا، شماره ۱۷۵(۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸)، ۵

www.iran-archive.com

حمایت آمریکا از حکومت پهلوی

بهمن عبدی؛ روی جلد مجله *بهلول* (۱۳۵۸ش)

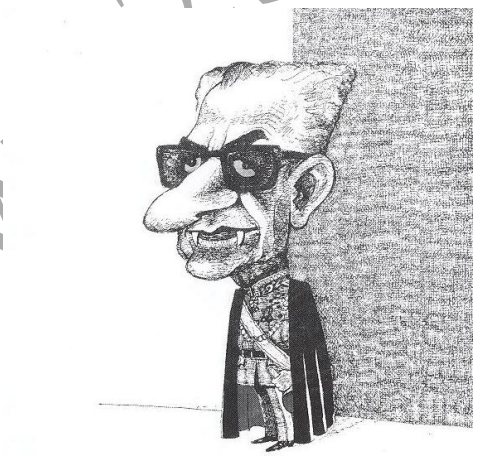

حمایت آمریکا از حکومت پهلوی

بهمن عبدی؛ مجله *بهلول* (۱۳۵۷ش)

www.bahman.ir

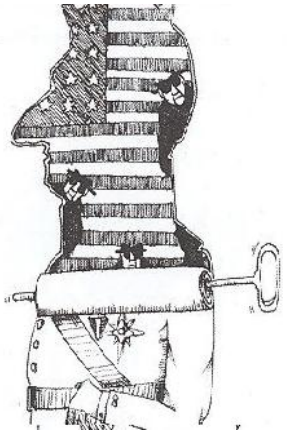

وابستگی شاه

هویت: مجموعه طرحهای فرهاد فروتنیان، ۲۳

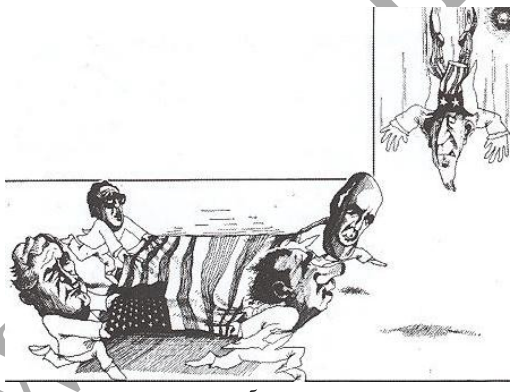

تحقیر آمریکا

امید انقلاب، شماره ۱(۱۸ بهمن ۱۳۵۹)، ۱۵

www.iran-archive.com

سروش، شماره ۱۳(۶ مرداد ۱۳۵۸)، ۶۰

محمدرضاشاه

گودرزی دیباج؛ *گرافیک انقلاب*، ۱۹۳

www.iran-archive.com

غفلتها، پرده‌پوشیها و زیاده‌طلبیها

بهمن عبدی؛ روی جلد مجله *فکاهیون* (۲۳ بهمن ۱۳۵۸)

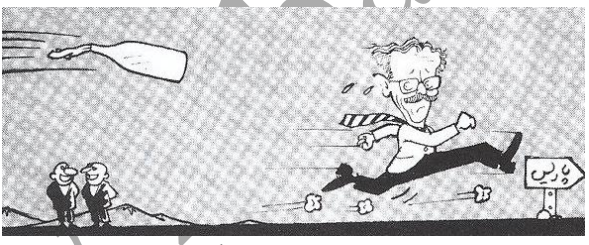

بهمن عبدی؛ به نقل از مجله *شپیگل* (۱۳۵۷ش)

www.bahman.ir

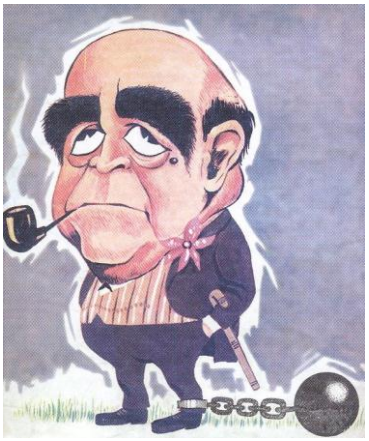

امیرعباس هویدا

بهمن عبدی؛ روی جلد مجله *سیاه و سپید* (۱۵ آذر ۱۳۵۷)

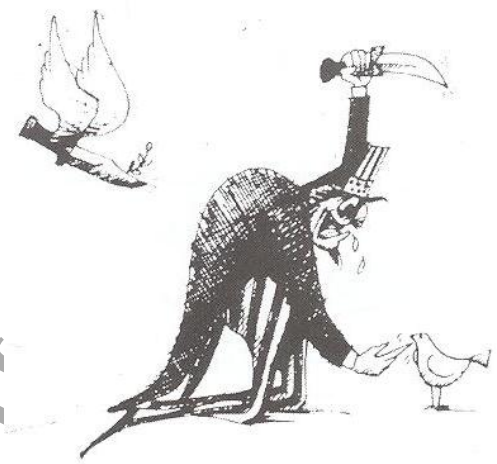

هویت واقعی آمریکا

فرهاد، شماره ۸۳(برگرفته از گودرزی دیباج، *گرافیک انقلاب*، ۱۹۳)

www.bman.ir

آمریکا

سروش، شماره ۱۱(۲۳ تیر ۱۳۵۸)، ۲۰

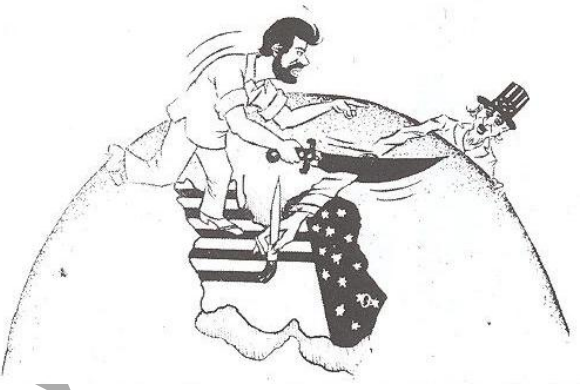

دست اجانب

بهمن رضایی؛ *کیهان*، شماره ۱۰۶۱۴(۲۶ دی ۱۳۵۷)، ۸

www.ebrahman.ir

آمریکا

سروش، شماره ۱۳(۶ مرداد ۱۳۵۸)، ۲

قدرت ملت

آهنگر و نامه چلنگر، شماره ۵(۱ خرداد ۱۳۵۸)، ۱۲

www.ahuan.ir

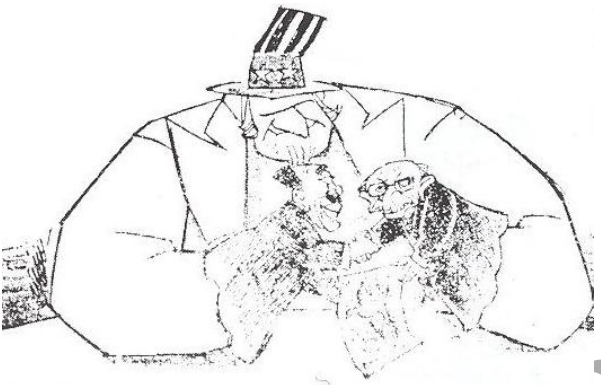

عملکرد آمریکا

اطلاعات، شماره ۱۵۸۱۵(۷ فروردین ۱۳۵۸)، ۵

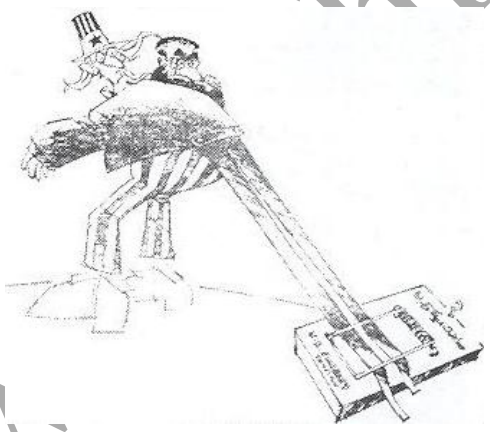

عملکرد آمریکا

اطلاعات، شماره ۱۵۹۹۸(۱۹ آبان ۱۳۵۸)، ۴

www.iran-archive.com

آمریکا

اطلاعات، شماره ۱۵۸۶۴(۵ خرداد ۱۳۵۸)، ۴

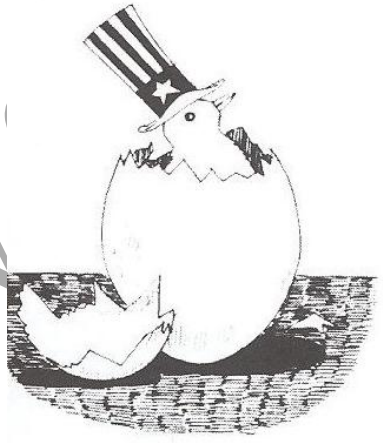

تهدید علیه انقلاب اسلامی

سروش، شماره ۱۴(۱۳ مرداد ۱۳۵۸)، ۵

www.rahman.ir

تهدید علیه انقلاب اسلامی

سروش، شماره ۳۶(۲۹ دی ۱۳۵۸)، ۲۷

آمریکا و اسرائیل

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۳۰۶(۱۸ آذر ۱۳۵۹)، ۱۲

www.sarbaman.ir

خوی نظامی و سلطه‌طلبی آمریکا

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۵۱۹(۱۵ شهریور ۱۳۶۰)، ۱۶

www.22baman.ir

ماهیت آمریکا

سروش، شماره ۹۷(۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰)، ۳۱

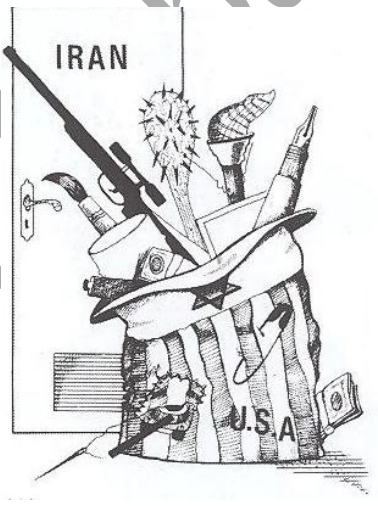

جنگ‌طلبی آمریکا

سروش، شماره ۹۶(۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸)، ۴۳

www.sabahman.ir

ماهیت آمریکا

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۲۹۴(۴ آذر ۱۳۵۹)، ۸

وضعیت اقتصادی

پیام انقلاب (۱۳۵۹ ـ ۱۳۶۰ش)

www.babaman.ir

ماهیت سیاسی و فرهنگی آمریکا

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۴۴۳(۱۳ خرداد ۱۳۶۰)، ۱۶

شرق و غرب

پاسدار اسلام، شماره ۸(۱۳۶۰ش)، ۵۶

www.zahman.ir

ماهیت آمریکا

حبیب صادقی، *اطلاعات*، شماره ۱۶۶۲۳ (۲۰ دی ۱۳۶۰)، ۱۲

حمایت از محمدرضاشاه

حاجی‌بابا، شماره ۱۷۴ (۵ اردیبهشت ۱۳۵۸)، ۲

www.tabarestan.ir

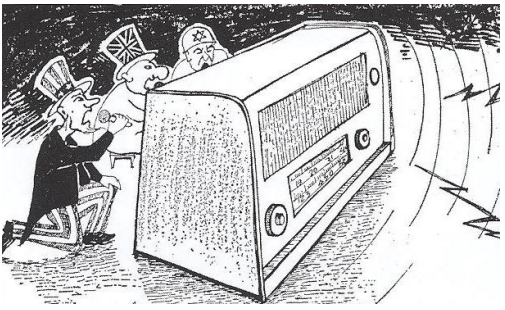

رادیوهای بیگانه (آمریکا، انگلیس، اسرائیل)

اطلاعات، شماره ۱۶۴۱۶(۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰)، ۱۲

سپاه ابرهه و صدام

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۶۷۵(۲۳ اسفند ۱۳۶۰)، ۱۶

www.man.ir

تهاجم فرهنگی و تفرقه‌افکنی

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۴۸۳(۳۱ تیر ۱۳۶۰)، ۷

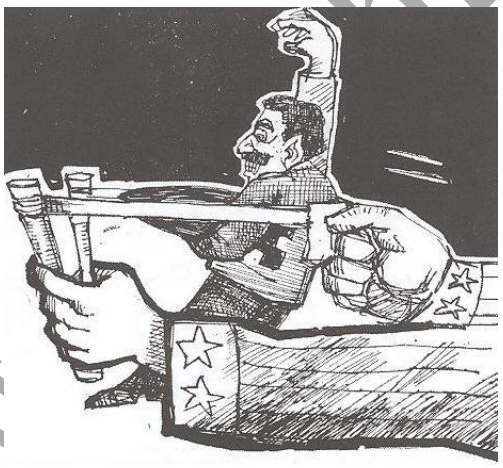

دست آمریکا در پشت دشمنان ایران

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۴۰۸(۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)، ۷

www.ebnian.ir

حمایت آمریکا از صدام

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۴۰۲(۲۵ فروردین ۱۳۶۰)، ۱۲

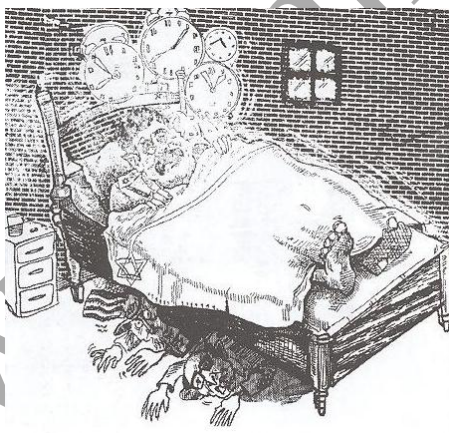

حمایت آمریکا و همدستانش از صدام

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۶۷۶(۲۴ اسفند ۱۳۶۰)، ۱۶

www.ghahman.ir

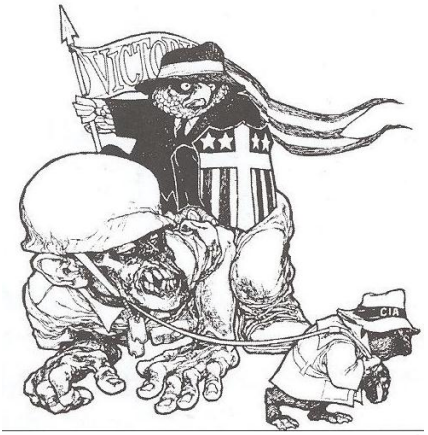

ماهیت واقعی آمریکا

کتاب جمعه، شماره ۳۲(۴ اردیبهشت ۱۳۵۹)، ۱۵۱

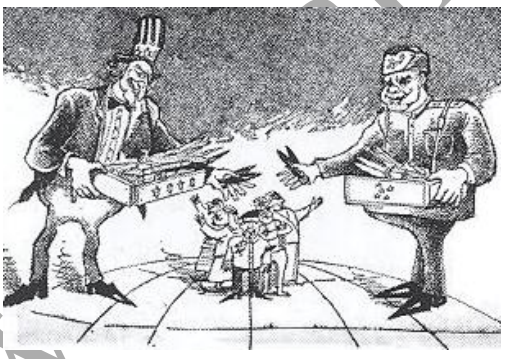

رقابت تسلیحاتی

اطلاعات، شماره ۱۶۵۶۶(۱۱ آبان ۱۳۶۰)، ۱۶

www.ketabfarsi.com

دشمنان انقلاب اسلامی

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۶۷۱(۱۸ اسفند ۱۳۶۰)، ۱۶

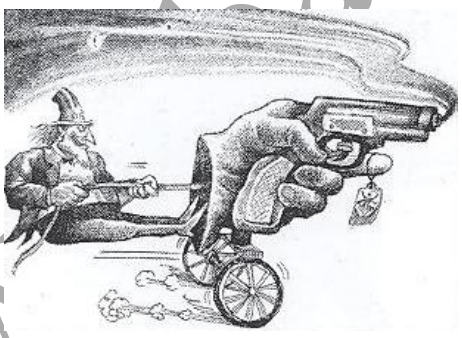

جنگ‌طلبی آمریکا

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۵۰۰(۲۲ مرداد ۱۳۶۰)، ۱۶

www.tabarestan.info

ماهیت آمریکا

پیام انقلاب، اردیبهشت ۱۳۶۰

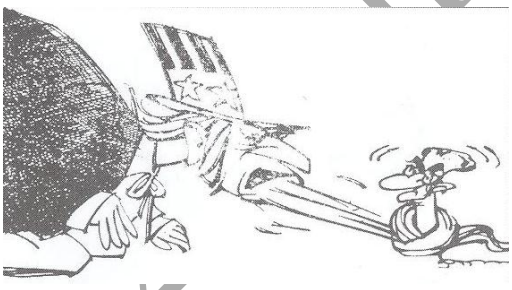

آمریکا و محمدرضاشاه

اطلاعات، شماره ۱۶۰۰۰۶(۲۸ آبان ۱۳۵۸)، ۹

www.iran-archive.com

آمریکا با هیبت دون‌کیشوت

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۳۷۸(۱۳ آبان ۱۳۵۹)، ۱۱

ماهیت صهیونیستی آمریکا

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۴۶۳(۷ تیر ۱۳۶۰)، ۱۲

www.20book.ir

اسرائیل

پیام انقلاب، ۱۳۶۰ش

ماهیت اسرائیل

سروش، شماره ۴۶(۳۰ فروردین ۱۳۵۹)، ۳۸

www.ebman.ir

ماهیت سران اسرائیل

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۲۸۳(۱۹ آبان ۱۳۵۹)، ۷

ماهیت مشترک اسرائیل و آمریکا

حبیب صادقی؛ *اطلاعات*، شماره ۱۶۲۸۹(۲۶ آبان ۱۳۵۹)، ۱۱

www.sabman.ir

سلطنت‌طلبی

سروش، شماره ۴۷(۶ اردیبهشت ۱۳۵۹)، ۲

www.22bahman.ir